

انواع روش‌های هدفمندی یارانه‌ها با تأکید بر روش انتخاب شده در ایران

دفتر مجله و نشریات

نسرین پرستش^۱

به طور کلی سیاست‌های پرداخت یارانه در برخی از کشورهای دنیا مانند انگلستان و سوئیس از سال ۱۹۷۰ میلادی که دولت‌های رفاه حاکم بودند به منظور مرتفع ساختن مشکلات زندگی خانوارهای کم درآمد بکار گرفته شد، اما بعد از سال ۱۹۷۰ این سیاست در بسیاری از کشورها کنار گذاشته شد زیرا دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که پرداخت یارانه، توان اقتصادی آنها را محدود کرده و سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و صنعتی را با مشکلات عدیدهای مواجه می‌سازد که در نهایت منجر به کندی رشد اقتصادی می‌گردد. بر این اساس دولت‌ها به این امر واقف گردیدند که در صورت عدم پرداخت یارانه می‌توانند با منابعی که از این بابت آزاد می‌شود به رشد سریعتر اقتصادی دست یابند.

در کشور ما نیز طی چند دهه اخیر برای رفاه اقتشار کم درآمد جامعه، کالاهای ضروری با قیمت یارانه‌ای به مردم عرضه شده است که از عوارض منفی آن مصرف بی‌رویه کالاهای ضروری، رشد قاچاق، کم شدن توان اقتصادی برای اهداف سرمایه‌گذاری و بطور کلی ایجاد آثار اخلالی بر بدنه اقتصاد کشور شده است. لذا دغدغه اصلی دولت بهویژه در طرح تحول اقتصادی در درجه اول، ساماندهی یارانه‌ها و سپس رساندن آن به اقسام کم درآمد جامعه است بطوریکه منافع به گروه‌های مورد نظر تعلق گیرد. بر این اساس مشاهده می‌گردد پیش شرط لازم برای هدفمند کردن یارانه‌ها، شناسایی گروه‌های هدف می‌باشد.

درخصوص شناسایی به‌طور قطع و یقین می‌توان بیان نمود که هیچ‌گونه روش اساسی که قادر به شناسایی دقیق گروه‌های هدف باشد وجود ندارد زیرا معمولاً در انتقال منافع طرح‌های حمایتی

همواره دو خطأ وجود دارد. به این ترتیب که ممکن است تعدادی از خانوارها که شایستگی دریافت منابع مالی را دارند مشمول طرح حمایتی نگردند این خطأ به خطای نوع اول مرسوم است. از سوی دیگر، در اجرای طرح حمایتی ممکن است گروههایی مشمول طرح شوند در حالی که شایستگی دریافت کمک‌ها را ندارند که به این خطأ، خطای نوع دوم اطلاق می‌شود. در مجموع آن شیوه‌ای مناسب است که مجموع خطای نوع اول و دوم را حداقل نماید.

در هر حال برای شناسایی گروههای آسیب‌پذیر روش‌های مختلفی وجود دارد که در ذیل به

آنها اشاره می‌گردد:

۱. خوداظهاری: این شیوه در بسیاری از کشورهای جهان برای حمایت از گروههای هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد چنانچه در طرح تحول اقتصادی ایران نیز این شیوه به صورت مقدماتی اعمال گردید.

۲. شناسایی بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی: در این شیوه می‌توان برای شناسایی گروههای هدف به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنها مراجعه نمود البته این موضوع بسیار مهم و حیاتی است که تشخیص دهیم گروههای هدف در چه سنی قرار دارند و از چه سطح تحصیلی برخوردار هستند همچنین در چه بخش‌های اقتصادی فعال می‌باشند و در چه مناطق جغرافیایی مستقر هستند. در این خصوص می‌توان با استفاده از داده‌های طرح‌های آماری درآمد و هزینه خانوار، خانوارهای زیرخط فقر را شناسایی نمود و سپس با مراجعه به فایل اطلاعاتی آنها، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فقرا را شناسایی نمود.

۳. روش PMT (آزمون وسع): در این روش پس از محاسبه خط فقر ویژگی‌های خانوارهایی که درآمد آنها برابر یا نزدیک خط فقر است تشخیص داده می‌شود بر این اساس می‌توان مشخص نمود چه افرادی^۱ از عهده مخارج لازم برای ادامه زندگی خود بر می‌آیند و چه گروههایی نیازمند دریافت کمک هستند.

۴. شناسایی از طریق نهادهای حمایتی: مانند شناسایی از طریق سازمان بهزیستی، کمیته امداد و

۵. نظام شناسایی سنتی: این نوع شناسایی تنها به جمع‌آوری سنتی اطلاعات اتکا دارد. در واقع در این روش از طریق معرفی، امر شناسایی صورت می‌پذیرد مانند معرفی از طریق معتمدین محلی، مساجد و ...

۱. برای استخراج ویژگی‌های دریافت اطلاعات داده خام طرح آماری درآمد و هزینه خانوار و داده خام خود اظهاری از مرکز آمار ضروری است.

شناسایی گروه‌های هدف مهم ترین موضوع در حمایت هدفمند تلقی شده است بر این اساس به روش‌های بکار گرفته شده در یمن و اندونزی به طور مختصر اشاره می‌گردد. بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای منتخب نشان می‌دهند که این کشورها متناسب با شرایط ویژه خود در انتخاب خانوارهای فقیر از شیوه خاص یا ترکیبی از شیوه‌های مختلف بهره جسته‌اند و البته در این کشورها تلاش شده است که هدف‌گیری به سمت فقر باشد و کمترین تراوشت به ثروتمندان منتقل شود و لذا موفق‌ترین برنامه شناسایی در آنها از طریق آزمون وسع صورت پذیرفته است. در استفاده از روش‌های هدف‌گیری به سه موضوع بشرح ذیل توجه شده است:

- هدف‌گیری به گونه‌ای است که تسری اعطای مزايا به افراد غیر فقیر خطای نوع اول را به حداقل برساند ضمن اینکه از حضور و برخورداری افراد فقیر از مزايا اطمینان حاصل شود (خطای نوع دوم)
- در معیار هدف‌گیری به محرك‌های اقتصادي توجه شده است و معیارهای مذکور سازگار با اهداف سیاست‌های مالی در این کشورها بوده است.
- در صورت امکان تلاش شده است مکانیزم هدف‌گیری موجب پرورش پذیرش سیاسی برنامه‌های اقتصادي شود.

همان‌طور که اشاره شد علی‌رغم اینکه روش آزمون وسع بعنوان روشی برتر در این کشورها معرفی شده است، اما به مکانیزم‌های غیرمستقیم هدف‌گیری نیز بسیار اتکا شده است. منظور از روش‌های غیرمستقیم هدف‌گیری روش‌های آزمون تقریب وسع^۱، هدف‌گیری جغرافیایی یا طبقه‌ای^۲، هدف‌گیری مبنی بر نهادهای محلی^۳ و خود هدف‌گیری (خود اظهاری)^۴ است. در ذیل به طور مختصر به چگونگی هر یک از این روش‌ها اشاره می‌گردد.

هدف‌گیری آزمون وسع

این روش، ارائه دهنده مزايا به خانوارها یا افرادی است که درآمد آنها کمتر از خط فقر است. بکار گیری روش وسع از یک سو مستلزم جمع‌آوری اطلاعات مربوط به درآمد خانوارها است و از سوی دیگر از آنجا که خانوارها تمایل دارند درآمد خود را کمتر از میزان واقعی بیان کنند یا اینکه

-
1. Proxy Means Testing
 2. Categorical and Geographic Targeting
 3. Community- Based Targeting
 4. Self- Targeting

درآمد حاصل از خود اشتغالی یا درآمد بخش غیررسمی را جزء درآمدهای خود محاسبه نمی‌کنند بنابراین امکان تعریف معیار مشخص و قابل مشاهده‌ای برای درآمد افراد مذکور وجود ندارد. بر این اساس از روش‌های غیرمستقیم هدف‌گیری در کنار آزمون وسع نیز استفاده شده است. به این معنا که براساس هدف‌گیری جغرافیایی، هدف‌گیری مبتنی بر نهادهای محلی، تقریب وسع و خود هدف‌گیری نیز شناسایی صورت پذیرفته است.

هدف‌گیری جغرافیایی و طبقه‌ای

با استفاده از این مکانیزم، مزايا به گروههایی از جامعه هدایت می‌شود که بر مبنای ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی و آماری فقیر محسوب می‌شوند (به عنوان مثال سن، تعداد فرزندان، وضعیت بیکاری و محل جغرافیایی) مکانیزم هدف‌گیری جغرافیایی و طبقه‌ای دارای هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی پایینی است، اما امکان ورود افراد غیرفقیر نیز به جامعه هدف وجود دارد. کارایی این روش به نسبت اعضای فقیر در طبقه یا منطقه جغرافیایی افزایش می‌یابد و ممکن است با ترکیب این مکانیزم با مکانیزم هدف‌گیری مبتنی بر نهادهای محلی، کارایی این روش افزایش بیشتری یابد. به عبارتی هرچه واحد جغرافیایی کوچکتر باشد هدف‌گیری دقیق‌تر می‌شود.

شناسایی از طریق نهادهای محلی

در این روش شناسایی از طریق مقامات یا انجمن‌های محلی صورت می‌پذیرد. مثال بارز این روش مانند انجمن‌های متشكل از والدین در مدارس است که درخصوص شناسایی دانش آموزانی که باید از کمک هزینه تحصیلی برخوردار شوند فعالیت می‌کنند.

هدف‌گیری بر مبنای آزمون تقریب وسع

با استفاده از این مکانیزم، مزايا بر مبنای شاخص‌های متعددی در سطح خانوار که با رفاه بستگی دارند و به عنوان شاخص درآمدی بکار می‌روند انتقال می‌یابد. شاخص مذکور با سهولت بیشتری نسبت به درآمد قابل مشاهده است و در نهایت از شاخص‌های مذکور برای بیان یک رتبه که تعیین‌کننده سطح دریافت حمایت از خانوار است مشخص می‌شود. این روش نسبت به روش آزمون وسع ارزان‌تر است اما اثربخشی مکانیزم در کل به ارتباط قوی بین ویژگی‌های قابل مشاهده افراد و

خانوارها با درآمد آنها بستگی دارد. (بازنشسته‌ها، حداقل بگیران، کارگران روزمزد، کارمندان حداقل بگیر، افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی و... در اولویت می‌باشند).

خود اظهاری (یا خود هدف‌گیری)

به معنای این است که یک کالا یا خدمت یارانه‌ای در دسترس همگان است، اما به گونه‌ای طراحی می‌شود که تنها افراد آسیب‌پذیر استفاده از آن را انتخاب کنند. به عبارتی امکان بهره‌گیری از مزایایی که از طریق این مکانیزم ارائه می‌شود برای تمام افراد موجود است اما بیشتر توسط افراد آسیب‌پذیر استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از برنامه‌های خود هدف‌گیری شامل یارانه‌های قیمتی برای کالاهای اساسی است که بیشتر توسط افراد فقیر مصرف می‌شود. مکانیزم خود هدف‌گیری نسبت به سایر مکانیزم‌ها نیازمند اطلاعات کمتری است و هزینه‌های اجرایی آن نیز پایین‌تر است با وجود این امکان تسریع اعطای مزايا به افراد غیرفقیر نیز وجود دارد.

خود هدف‌گیری از این لحاظ جاذبه دارد که ضابطه خروج تدریجی را ارائه می‌کند به عبارتی افراد پس از آنکه از بحران خارج شوند و به خود متکی شوند خودشان انتخاب می‌کنند که در برنامه‌های خود هدف‌گیری شرکت نکنند.

در ادامه، مزايا و معایب روش‌های هدف‌گیری در جدول (۱) ارائه می‌گردد.

جدول ۱. مقایسه مزايا و معایب روش‌های هدف‌گیری

روش‌های هدف‌گیری	برنامه حمایتی	هزایا	معایب
آزمون وسع و آزمون تقریب وسع، طبقه‌ای و جغرافیایی	برداخت‌های انتقالی نقدی به افراد فقیر، بیکار، بازنشسته، معلولین، مسن، دانش آموzan مدارس مناطق محروم، زنان فقیر، کارگران در مناطق روستایی	- عدم تحریب قیمت‌ها - پرداخت‌ها قابل تعویض بوده و نیازهای حمایتی خانوارها را به طور مستقیم برآورده می‌سازد.	عوامل انگیزشی برای حضور در بازار کار را تحریب می‌کند. به دلیل قابل تعویض بودن پرداخت اجرای برنامه سلتیم وجود اطلاعات است.
خود هدف‌گیری (با تنظیم نرخ دستمزد پایین‌تر از نرخ حداقل دستمزد)	انجام کارهای عمومی (در قالب پروژه‌های توسعه زیرساخت‌ها) توسعه انبساط سرمایه انسانی و فیزیکی در مناطق فقیر، حمایت از ایجاد اشتغال، ارائه خدمات اجتماعی	این روش می‌تواند سریعاً پس از وقوع بحران در مناطق خاص اجرا شود	امکان تسریع اعطای مزايا به افراد غیرفقیر وجود دارد. از لحاظ اجرایی مشکل دارد.

مأخذ: نتایج تحقیق

روش انتخاب شده در ایران

در کشور ما اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ۲۸ آذر ماه سال جاری (۱۳۸۹) آغاز گردید. در واقع چارچوب کلی اجرای این قانون همان‌طور که اشاره گردید به طرح تحول اقتصادی باز

می‌گردد. طرح تحول یک برنامه اصلاح ساختاری است که به آسیب‌شناسی اقتصاد ایران می‌پردازد. هدفمندسازی یارانه‌ها مهم‌ترین محور طرح تحول اقتصادی بوده است و یکی از موضوعات اساسی در طرح هدفمند کردن، شناسایی گروه‌های هدف و چگونگی نحوه باز توزیع منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت‌ها می‌باشد. براساس مطالعات انجام شده همان‌طور که ذکر گردید روش‌های مختلفی در خصوص شناسایی گروه‌های هدف و نحوه باز توزیع منابع وجود دارد. در عمل یک روش بدون نقص برای هدفمندسازی وجود ندارد. با این اوصاف با توجه به مطالعات انجام شده و تجارب جهانی سه روش یعنی روش ارزیابی خانوار، روش هدفمندسازی طبقه‌ای و روش خود هدفمندسازی به‌منظور شناسایی گروه‌های هدف بکار گرفته شد که با توجه به تغییر وضعیت معیشتی افراد با گذشت زمان ضرورت به روزرسانی اطلاعات در خصوص خانوارها و همچنین بررسی صحیح بودن این اطلاعات به‌منظور پرهیز از مشمول نمودن افراد که نباید مشمول طرح گردند و همچنین محدودیت منابع برای جمع‌آوری اطلاعات مذکور مشکلاتی برای متولیان اجرای طرح ایجاد نموده است.

در خصوص باز توزیع منابع آزاد شده از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و کالاهای مشمول هدفمندسازی، تأکید مسئولان به روش نقدی باز توزیع می‌باشد. در واقع این روش نسبت به سایر روش‌های باز توزیع که شامل توسعه بیمه‌ای اجتماعی، انجام کارهای عمومی، توسعه انباشت سرمایه انسانی و سایر روش‌های ارائه خدمات اجتماعی مناسب‌تر تشخیص داده شده است. محاسبه میزان یارانه نقدی پس از انجام مطالعه براساس مکانیزم‌هایی از جمله وضعیت اقتصادی موجود خانوارها، آثار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی بر قیمت سایر کالاهای آثار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر تولید کالاهای و خدمات بوده است.

بهره‌مندی خانوارها از یارانه‌ها در طرح هدفمندی به صورت پرداخت یکسان می‌باشد و از یک منظر پرداخت یکسان به معنای بهبود توزیع درآمد و مبتنی بر عدالت است. از منظر دیگر با توجه به اطلاعات اقتصادی که از خانوارها بدست آمده است دهکه‌های درآمدی ۱ تا ۷ بیش از ۳ دهک دیگر استحقاق دریافت یارانه را دارند.

آنچه مسلم است با گذشت بیش از ۲ ماه از اجرای طرح هدفمند کردن با توجه به اخبار و اطلاعات منتشر شده از سوی مسئولین همکاری آحاد جامعه در اجرای هدفمندسازی مورد توجه بوده است. بهبود نسبی در کاهش مصرف انرژی از جمله کاهش مصرف ۲۰ درصدی انرژی و آب

در دو ماهه اخیر، کاهش قاچاق سوخت، ثبات در قیمت مسکن و اجاره بها، رونق نسبی در بازار سهام ناشی از اعتماد عمومی به بورس و ... در طی مدت کوتاه اجرای طرح مورد توجه بوده است.

جمع‌بندی

با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد افزایش اثربخشی روش‌های شناسایی نیازمند دسترسی به موقع و قابل اطمینان به اطلاعات مربوط به گروه‌های آسیب‌پذیر است. در عین حال که ضروری است ابزارهای حمایتی دیگر در کنار پرداخت‌های نقدی، یعنی روش‌های غیرنقدی، یارانه‌های قیمتی، برنامه‌های غذایی مکمل، برنامه‌های توسعه استانی، بیمه‌های اجتماعی و حمایت‌های دیگری که با اهداف سیاست‌های کلان ما در اقتصاد سازگار است نیز مورد توجه قرار گیرد همچنین ضروری است برای اجرای بهتر طرح هدفمند کردن آثار طرح بر گروه‌های کم درآمد و با درآمد متوسط ارزیابی گردد. در عین حال ارزیابی تأثیر طرح بر بهبود فناوری، بر بهره‌وری اقتصاد نیز ضرورت انکارناپذیر در موقوفیت هر چه بهتر طرح هدفمند شدن یارانه‌ها می‌باشد. انتظار می‌رود این موارد با توجه به ماهیت سایر محورهای طرح تحول که در حال حاضر کم و بیش در حال پی‌گیری است، محقق شوند.

